

حسین:

به نام هستی بخش

مشی و مشیانه، جم و جمک

همچون هفته های پیش پنجشنبه 23 دیماه 1404 در کتابفروشی دوست شاعر و ادیب جناب حمید واحدی برای دیدار و گفتگو با استاد ارجمند و شاهنامه پژوه جناب دکتر سجاد آیدنلو گرد آمدیم و از هر دری البته در حوزه شعر و ادب و کتاب و غزل سخنی به میان آمد. تا اینکه یکی از دوستان راجع به مشی و مشیانه و جم و جمک پرسشی مطرح شد که آیا این دو یکی هستند یا با هم متفاوتند؟ و ببینیم پاسخ دکتر آیدنلو را: در باورهای دینی این دو را با آدم و حوا در باورهای دینی نمی توان قیاس نمود، زیرا آدم و حوا نخستین انسان به شمار می آیند. ولی مشی و مشیانه از کیومرث آفریده می شوند و منشا گیاهی دارند عضوی از بدن کیومرث به شکل گیاه ریواس در می آید و شکل انسانی دارد. به مرور از مردم پیکری به مردم پیکری در می آید (به نوعی مسخی اتفاق می افتد) شبه انسان. جم و جمک* خواهر و برادرند (مربوط به اساطیر پیش از اسلام هستند و در متون مزدایی و دوقلوهای اساطیری و همزاد هستند) در روایتهای دینی زرتشتی و اوستایی کیومرث نخستین انسان است. در نگاه ملی و روایت های شاهی نخستین پادشاه است. نمونه های انسان نخستین در اساطیر ایرانی به کیومرث محدود نمی شود، بر اساس نگاه پژوهشگران هوشنگ، تهمورث و جمشید را هم می توان نمونه هایی از انسان نخستین نامید. حتی در سیاوش که خیلی پس از اینهاست و فرزند کیکاووس است، مشابهت هایی بین سیاوش با کیومرث و جمشید هم دیده می شود که انگار این هم یکی از نمونه های انسان نخستین یا ساخته شده بر الگوی انسان نخستین است در روایت های اساطیری. به مشی و مشیانه در اوستا و به ویژه در بندش* اشاره شده.

آیا جم همان جمشید است؟ بله همان است. و می دانیم که در هند باستان هم هسته این شخص هند و ایرانی است. رگه هایی از این اسطوره را در هند باستان هم می توانیم دید. شخصیت جمشید فقط ایرانی نیست. برخی از شخصیت ها تنها در اساطیر ایرانی شکل گرفته، مانند مشی و مشیانه و یا کیومرث، ولی برخی از اساطیر کهن ترند و به دوران همزیستی مشترک ایرانیان و هندیان بوده و پس از جدا شدن این اساطیر به طور مشترک بین این دو قوم تقسیم شده. از جمله ی آنها جمشید است، فریدون است، کیکاووس است و کیخسرو که هم در هند نمونه و معادل دارند و هم در ایران. برای مطالعه در شخصیت جمشید صرفا به متونی چون اوستا و متون پهلوی، نباید اکتفا کرد. بلکه متون ودایی هم باید مورد بررسی قرار گیرد. در جریان انسان نخستین با انسان برگزیده، روایت هایی اساطیری در ساخت سپسین داستان در غالب اسطوره در قالب حماسه و افسانه دچار تحول می شوند. مثلا در اسطوره سیاوش یک فرضیه قدرتمند هست که در اصل خدای گیاهی بوده و شکل ایزدی داشته، ولی آن چیزی که اکنون در اختیار ما هست، وجه ایزدی ندارد بلکه وجه انسانی آن است که غالب است. و من در این زمینه مقاله ای دارم با عنوان "اسفندیار ایزدی گیاهی؟" اسفندیاری که در شاهنامه و منابع دیگر می بینید پهلوان است و یک شاه زاده است. پسر گشتاسب پادشاه ایران که در آخر با رستم می جنگد و کشته می شود. کاملا با جنبه های یک انسان برتر و پهلوان حضور دارد. در آنجا من هجده دلیل و قرینه آورده ام که در شکل کهنتر داستان شاید اسفندیار وجه ایزدی داشته، بعد به شکل انسانی در آمده ولی نشانه های وجه نخستین در این اسطوره باقی مانده. در اسطوره صورتهای محتمل باستانی یک موضوع یا روایت است که ممکن است دچار تحول شده باشد. و حاصل گفتگوی این پنجشنبه هم این یاد داشت شد که تقدیم نگاه شما دوستداران فرهنگ و ادب گردید. و مواردی که نیاز به توضیح داشت را نیز با مراجعه به منابع در پاورقی آوردم. باشد که قبول افتد.

*به گفته ی کریستین سن، جم، به دوره ای که هندیان و ایرانیان با هم می زیستند و فرهنگ مشترکی داشتند بر می گردد. در ریگ ودا به عروسی ویوسونت و سرنبو، پدر و مادر یمه و یمی (جم و جمگ) جمی در ادبیات ایرانی اشاره شده در سرودی از ریگ ودا گفتگوی عاشقانه ای میان جم و جمی که برادر و خواهر اند به میان می آید. در این سرود زیبا و لطیف جمی با زیبا ترین کلمات میل خود را برای ازدواج با برادر خود جم اظهار می دارد. و برادر نه با خشونت، بلکه بسیار شاعرانه موانع این کار را ذکر می کند. و خواهش او را نمی پذیرد (ص بیست و سه نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار از آرتور کریستن سن ترجمه ژاله آموزگار- احمد تقضلی نشر چشمه 1377)

**از تن کیومرث هفت گونه فلز به پیدایی آمد (از) آن تخم که در زمین رفت، به چهل سال مشی و مشیانه بر رستند که از ایشان رونق جهان و نابودی دیوان و از کار افتادگی اهریمن بود (ص 66) بندهش مهرداد بهار و در ص 81 چون کیومرث به هنگام درگذشت تخمه بداد آن تخمه ها به روشنی خورشید پالوده شدو دو بهر آنرا نریوسنگ، نگاه داشت بهری را سپندارمذ پذیرفت. چهل سال آن تخمه بر زمین بود با به سر رسیدن چهل سال ریواس تنی

یک ستون پانزده برگ، مهلی و مهلیانه از زمین رستند

***بندش به معنای اصل آفرینش

...(بندش انتشارات توس چاپ دوم 1380)

عبدالحسین علوی